

بیگما

شماره مسلسل ۲۵۵

سال بیست و دوم

آذر ماه ۱۳۴۸

شماره نهم

مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی *

رشیدالدین فضل الله همدانی

صمیمانه از دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشگاه تبریز، و بخصوص دوست عزیزم آقای ایرج افشار سپاسگزارم که بابر گزاری این مجلس علمی و تحقیقی و بادعوتی که از اینجانب فرمودند بطور غیرمستقیم باعث شدند که یک عضو دولت لاقبل برای چند صباحی بامعرفت واقعی سروکار پیدا کند و به گنجینه‌های گرانبهای که سراغ آنرا قبلاً نداشت دسترسی یابد.

هنگامی که بنده رامأمور فرمودید تا از لحاظ تشریفات این مجلس را افتتاح کنم باید باکمال فروتنی عرض کنم که نام خواجه رشیدالدین را تنها بمنوان پزشک و مورخی در شمار دانشمندان دیگر این سرزمین شنیده بودم ولی مسلماً او را بنحوی که امروز با او آشنا شده‌ام نمیشناختم. نشریه بسیار نفیسی را هم که کنا بخانه مرکزی دانشگاه بدین مناسبت چاپ کرده بیشتر از آنجهت خواندم که بتوانم لاقبل از مذاکرات شما چیزی سر در بیاورم بی آنکه به بی‌سوادی بنده در این زمینه پی برده باشید. اما از همان صفحات اول آثار و شخصیت این مرد آنچنان مرا شیفته خود کرد که در این چند هفته سعی کردم هرچه را که درباره او بدست می‌آورم بخوانم، و هرچه در این اکتشافات شخصی پیش‌تر میرفتم نزد خود فکر میکردم با همه خاکهای بایر و موجودات بی‌خاصیتی که شب و روز با آنها روبرو هستیم و نااملیماتی که همیشه زندگی این ملک را تشکیل داده چه گنجینه‌های فراوان و ناشناخته‌ای در زمان و مکان آن قرار دارد

* متن سخنرانی جناب وزیر علوم و آموزش عالی در نخستین جلسه.

که متأسفانه فرصت دست یافتن و گاه حتی حوصله استفاده از آنها را ازدست داده‌ایم. یکجا بیخودی سخن از میراث‌های نامعلوم و تو خالی می‌بریم که یاقاقد محتوی اصیل بوده و یا اساساً چیزی برافتخارات و اقمی مانعی افزاید و جای دیگر گنجینه‌های عزیز و نایابی را که همیشه در مردم و در خاک این سرزمین خوب بوده و هست ندیده می‌گیریم و بابتی اعتنائی خود آنها را در حقیقت از بین می‌بریم.

باری این مقدمه طولانی را بیشتر از آنچه آوردیم که همین مختصر مطالعه در آثار و کارهای خواجه رشیدالدین از طرفی ما را شرمند ساخت که چرا زودتر به وجود چنین شخصیت گبرائی پی نبرده بودیم و از طرف دیگر مرا برآستی سیاست‌گزار بانیان این مجلس علمی کرد که از اینراه مرا با یکی دیگر از گوهرهای بی‌شماری که موجودیت و شخصیت ما را بوجود آورده‌اند از نزدیک آشنا ساختند.

کتابچه مختصر و مفیدی که آقای ایرج افشار برای شرکت کنندگان این مجلس علمی آماده کرده‌اند و حاوی مقالات بسیار ارزنده و سودمندی از استاد مینوی - مرحوم عباس اقبال - استاد مرتضوی و دانشمندان دیگر است که مجموع آنها جهات اصلی آثار و شخصیت همه جانبه خواجه رشیدالدین را در برابر ما قرار میدهد.

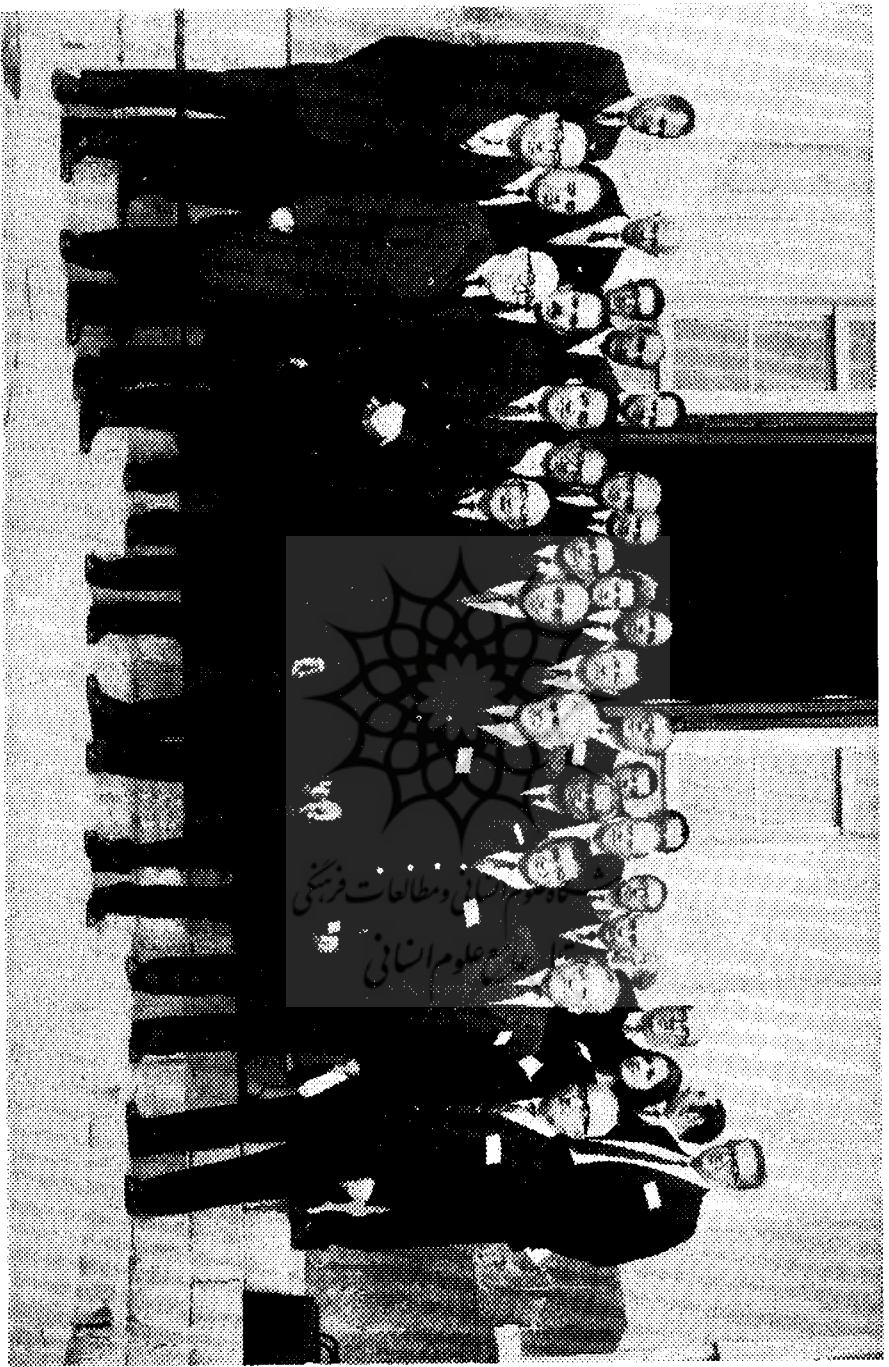
این مقالات و آنچه که از آثار او بدست آمده رشیدالدین فضل‌الله را بعنوان وزیر لایق و دور اندیش، طبیعی حاذق و مترقی، محقق و مؤلفی پرکار و دانشمند، مورخی بی‌نظیر و مدیری فوق‌العاده مدبر معرفی میکند و اطمینان داریم که در این مجلس علمی درباره هر یک از جنبه‌های کار و زندگی این شخصیت بزرگ سخن بسیار خواهد شد.

اما آنچه که بیش از همه اینها شخص مرا مفتون این دانشمند کرده بیش علمی و طرز فکر و عمل اوست که گوئی او را لااقل هفتصدسال از زمان خودش جلوتر قرار میداده است. از اینرو خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از جمله شخصیت‌هاییست که جنبه بااصطلاح معاصر و امروزی زندگی و اندیشه‌های او میتواند برآستی الهام بخش کارهای زمان ما باشد. آنچه که این مرد، بویژه در زمان وزارت طولانی‌اش انجام داد، و دید جامع و برداشت دوراندیشانه‌ای که از مسائل علمی و فرهنگی داشت همه حاکی از قدرت فکری و اصالت عمل یک مرد بزرگ تاریخ بود. و اگر لحظه‌ای پیش خود و قفنامه رابع رشیدی و پاره‌ای از دستورات و نامه‌هایی را که او درباره امور آموزشی و علمی نوشته است بامشور انقلاب آموزشی رامسر مقایسه کنیم جنبه‌های مترقی آن کار او طوری است که حتی ممکن نیست تصور کنیم که ششصد و پنجاه سال تاریخ بین این سندها قرار گرفته است. با توجه به این نکات است که سعی خواهیم کرد یاد از این رادمرد علم ایران کم و پاره‌ای از ملاحظات خود را در این زمینه به اختصار بعرض خانمها و آقایان برسانم و این کار را با بازدید کوتاهی از رابع رشیدی شروع میکنم:

رابع رشیدی که سمت شرق و در تپه‌های عینعلی تبریز است و متأسفانه چیزی جز چند دیوار بلند و شکاف خورده و خرابه‌های فرو ریخته از آن باقی نمانده است چه بود؟ همانطور که آقای محمود عرفان در مقاله ارزنده خود راجع به قفنامه رابع رشیدی مینویسد این شهر دانش و پژوهش که از هر جهت در نوع خود بی‌نظیر بوده بزرگترین بنیاد



از راست به چپ : بدیع الزمان فروزانفر - دکتر خالری - دکتر نسر - رئیس دانشگاه - وزیر علوم - شفا، وسه تن دیگر.



عده‌ای از دانشمندان درمجلس علمی و تحقیقی رشیدالدین فضل‌الله

خیری بوده که تاریخ ایران چه در زمان قبل از اسلام و چه بعد از اسلام بنای خیری را به این شکوه و عظمت نشان نمیدهد .

خواجه رشیدالدین که در همدان و بصره و جامای دیگر موقوفاتی بخاطر ترویج علم و معرفت بوجود آورده بود باغات وسیعی را در مشرق شهر تبریز می خرد و ربع را در آنجا میسازد . محلات و کوچه هائی در داخل آن و قریه هائی در خارج آن احداث میکند و هر محله و کوچه و قریه ای را بمناسبت کسانی که در آنجا سکونت داشتند نام گذاری میکند .

مثلاً قریه هائی را که غلامان رومی و گرجی در آنجا بودند قریه رومیان و قریه گرجیان ، جائی که اطبا و جراحان و محصلین طب مقام داشته اند « محله عالجان » و کوجه ای که علما در آنجا مقیم بوده اند کوچه « علما » می نامیده اند . رفته رفته در این شهر همه چیز با توجه به فعالیت های علمی و آموزشی که میبایست در آنجا انجام گیرد و با در نظر گرفتن هر آنچه که برای ایجاد يك محیط زنده و بارور علمی و تحقیقی بود ، گسترش می یابد .

در بیت الحفظائی که گنبدی بر آن قرار داشته حافظین قرآن که همه طبق موازین و اصول دقیقی انتخاب میشده و علاوه بر مشخصات علمی دیگر میبایست حتماً از میان مردمان خوش آواز باشند هر روزه تلاوت قرآن اشتغال داشتند .

در قسمت معروف به روضه که حوض آبی در میان صحن آرقر داشته دو مسجد یکی تابستانی و دیگری زمستانی ساخته میشود که در هر دو هم نماز میخواندند و هم درسهای علوم را می گفتند . از وقتنامه ربع رشیدی و نامه های خواجه به پسرش سعدالدین ، حاکم شام ، چنین برمی آید که در این شهر علمی و دانشگاهی در شمار تأسیسات فراوان و متنوعی که وجود داشت خانقاه مخصوصی برای پذیرائی درویشان و مستحقان - دارالضیافه ای برای مجاوران و مسافران با مطبخ و بیت الخلوه و باصلاح حوائج خانه و توابع آن دارالشفاء و شرابخانه و سرای طبیب - کتابخانه ای بسوار بزرگ که میگویند از بهترین و بهترین کتابخانه های زمان خود بود و بیش از ۶۰ هزار جلد کتاب نفیس در آن بود بیست و چهار کاروانسرای رفیع و هزاروپانصد دکان وسی هزار خانه و حمامها و بساطین بسیار و کارخانه های شعر بافی و کاغذ سازی و يك دارالضرب و يك رنگخانه یا صباغخانه دیده میشد .

این بود شرح مختصری از موقعیت جغرافیائی و تأسیسات ربع رشیدی . بطوریکه ملاحظه میفرمایند این شهر عظیم علم و دانش شاید نه تنها در آن زمان در نوع خود بی نظیر بود بلکه پس از آن نیز شبیه آنرا در جای دیگر نمیتوان سراغ گرفت (اگر اشتباه نکنم تازه پس از جنگ دوم جهانی بود که شورویها نیز فکری مشابه را با ایجاد شهر « اکادمگورود » دنبال کردند تا بتوانند گروهی از دانشمندان و محققان برجسته خود را در يك واحد بزرگ شهری جمع آوری کرده محیط فکری و وسائل کار لازم را در يك جا برای آنها فراهم کنند) . اما آنچه که بیش از خود شهر جالب توجه میباشد تشکیلات و اداره امور این واحد بزرگ علمی است که براسستی از هر جهت حیرت آوراست چون گویی براساس آخرین روشهای امروزی و مفاهیم و اصول دانشگاهی زمان ما استوار بوده است . بی پروا باید اعتراف کنم که يك مطالعه سطحی کار و زندگی طلاب در ربع رشیدی جداً حس مباهات و غروری در من ایجاد

کرد که چگونه اجداد ما قرن‌ها قبل از آنکه مفاهیم و کلمات خارجی از قبیل Full time یا Academic exchange یا Department یا Library Sciences و Sandwich Courses و کنفرانس و سمینار و غیره در قاموس دانشگاهی ما وارد شود اصول مشابهی را عیناً بخاطر پیشرفت امور علمی و آموزشی رعایت میکردند و ضمن اختصاص اعتبارات و وسائل کلان برای پیشبرد دانش و پژوهش در عین حال نهایت توجه را هم به آنچه که ما امروز اقتصاد دانشگاهی می‌نامیم مبذول میداشتند. شاید بی‌جا نباشد که برای اثبات این ادعا و در عین حال برای قوت قلب دادن به آنها که بگفته مسیو ژوردان مولیر « نثر میگفتند و نامش را نمیدانستند » نمونه‌هایی را در این زمینه ذکر کنم.

در دارالشفای ربع رشیدی طبق وقفنامه، اطبائی که بخدمت دارالشفاء مامور میشدند می‌بایستی هر کدام نوبه و کشیک داشته باشند تا اینکه شبانروز همیشه یک نفر طبیب یا شاگرد و داروساز در سر کار حاضر بوده باشد، و هر طبیبی باید دو نفر معلم را درس طب و دو اساز آموزد. بعلاوه رشیدالدین به فرزند خود سعدالدین مینویسد: « پنجاه طبیب حاذق که از اقصای بلاد هند و مصر و چین و شام و دیگر ولایات آمده بودند گفتیم هر روز در دارالشفای ما تردد نمایند و پیش هر طبیب ده کس از طالب علمان مستعد نصب کردیم تا به این فن شریف مشغول گردند و کحالان و جراحان و مجبران که در دارالشفای ماست بقرب باغ رشیدآباد که آنرا محلهٔ مجالجان خوانند بنیاد فرمودیم و دیگر اهل صنایع و حرف که از ممالک آورده بودیم هر یک را در کوچهای ساکن گردانیدیم....»

مسکن اطبا و متعلمین درسراها و حجره‌های مخصوص مقرر بوده است. دورهٔ تحصیل هر یک از محصلین طب پنج سال بوده و پس از پنج سال اگر استاد او را « معلوم شود که لایق آن شده اند که در علاج بیماران شروع کنند و در آن‌ها مرگشته باشند بموجبی که عادتست اجازت ایشان بنویسد تا ایشان در علاج شروع کنند...» و باید که طبیب مذکور تمامت کسانی که در ربع رشیدی مجاور یا مسافر یا عملهٔ آنها باشند و رنجور شوند علاج کند و مناسب مزاج دارو و مزوره دهد و به علاج دیگری مشغول نشود چه او را جهت علاج مجاوران و مسافران ربع رشیدی معین کرده‌ایم. (مفهوم تمام وقت) روزهای دوشنبه و پنجشنبه مقرر بوده که به همسایگان ربع رشیدی و اولاد واقف و غلامانی که واقف آنانرا آزاد ساخته و باغبانان و برزیگران موقوفات ربع رشیدی دوا می‌دهند. اگر مسافری رنجور میگردد باید هر کجا که متولی مصلحت میداند او را بخواباند و طبیب به علاج او پردازد تا شفا یابد و پس از شفا یافتن سفر کند. (Social Security)

همانطور که در حال حاضر سعی میشود از وجود دانشمندان برجسته و آنهایی که تحصیلات خود را در بهترین مؤسسات علمی خارج کرده‌اند استفاده شود و آنها را استخدام کنند و نام این کارساده را امروز جلب مغزهای متفکر یا Brain - gain مینامند، خواجه رشیدالدین دائماً طبق برنامهٔ دقیق و منظمی مراقب بوده است که از یکسو مغزهای برجسته را در ربع رشیدی جمع‌آوری کند و از سوی دیگر از وجود آنها نهایت استفاده را برای تربیت کادرهای ملی بعمل آورد. تنها در کوچی علما ۴۰۰ روحانی و مفتی و متشرع با مستمریها و مزایای

کافی منزل داشتند و در کوی طلاب که مجاور کوچه فوق بود هزار تن طالب علم شایق علوم که از کشورهای مختلف مسلمان گرد آمده بودند هزینه تحصیلی طبق شایستگی و استعداد خود دریافت میکردند (Scholar Ship).

در زمینه تعلیمات حرفه‌ای هم کار رشیدالدین جالب توجه است زیرا در مورد دو بیست و بیست نفر غلام و دو بیست و بیست نفر کنیز که زوجات غلامان بودند و به کار آباد نگاه داشتن باغات و مزارع و خدمت بطور کلی میپرداختند «فرزندانرا هر یکی بصنعتی و حرفتی که ملائم و موافق حال او باشد از خطاطی و قوالی و نقاشی و زرگری و باغبانی و کهریزکنی و دهقنت و معماری و سایر حرف میگماشت. بعلاوه از نامه‌های بیشمار اوبه نقاط گوناگون جهان چنین برمی‌آید که همواره مقرر شده بود که دارالشفای ربع رشیدی دارای مجموعه کاملی از آخرین داروها و روغن‌ها و گیاهان پزشکی مورد نیاز باشد و در حقیقت موزه غنی و مجهزی در اختیار داشته باشد.

پتروشفسکی در کتاب خود این جمله را نقل میکند :

از همه ممالک انواع درختان میوه دار و ریاحین و حبوبات که در تبریز نبود و هرگز در آنجا کس ندیده نهال و شاخ آن پیوند کردند و بذور آن بیاوردند و بتربیت آن مشغول شدند و تمامت ولایات بعید از ممالک هند و ختای و غیره ایلچیان فرستاده تا تخم چیزهایی که مخصوص به آن ولایات است بیاورند در این نامه‌ها مقدار هر روغن (که از یک تا سیصد من تفاوت ذکر شده است) و محل تهیه و مدارک آن بطور دقیق معین میشده است. در نامه‌ای بعنوان «خواجه علاءالدین هندو» و بر اساس گزارش پزشک مسئول و متصدی بیمارستان محمد ابن النبیلی که در نامه از او بعنوان «جالینوس دوران» اسم برده شده از انواع و اقسام روغن‌های معطر و داروهای از قبل افسنتین یا خارا گوش و کندر رومی و بابونه و روغن کرچک و روغن عقرب نام برده شده و با توجه به اینکه این روغن‌ها را باید از ممالک مختلف بیاورند فرمان داده است که بمنظور جلوگیری از بروز تأخیر برای هر یک از شش مکان مورد بحث پیکری جداگانه تشکیل شود.

از لحاظ کمک به دانشمندان و پیشرفت علم علاوه بر اینکه آخرین اطلاعات و کتب و وسائل مورد نیاز را در اختیار دانشمندان در داخل قرار میداده در نامه‌ای بعنوان پسرش امیر علی حاکم بغداد به او دستور میدهد که به دانشمندان سراسر امپراتوری ایران از حیحوون گرفته تا جمنا و از جانب مغرب تا حدود آسیای صغیر و مرز مصر مستمری و تحف بدهد و تحف مزبور در هر مورد مرکب بوده است از مبلنی پول و یک قبای پوستی یا مخمل و یک مرکب. در یک نامه دیگر دستوراتی به یکی از مأموران خود در آسیای صغیر داده که به دانشمندان مغرب یا سمرزمین‌های عربی اسلامی پادشاه و جوائز بدهند و از دانشمندانی که در آن نام برده‌شده ساکن قرطبه و دیگر قسمت‌های اندلس و چهارتن ساکن تونس و طرابلس و قیروان بوده است. و با توجه به مسافتهایی که وجود داشته است میتوان دید که رشیدالدین تا چه

اندازه در کار خود بینش و برداشتی جهانی داشت و برآستی میخواستند است که ایران را مرکز دنیائی پیشرفته ترین علوم وقت قرار دهد. يك نمونه دیگر که ادوارد براون در کتاب طب اسلامی ذکر میکند و در این زمینه بسیار جالب توجه است مربوط به تجدید ساختمان بیمارستانی در شیراز است که بخاطر احیای آن رشیدالدین، پزشک مشهوری بنام محمود بن الیاس را با حقوق سالانه بسیار بالا و هدایای ذقیمت استخدام میکند و تصدی بیمارستان و موقوفات را همه به او می سپارد.

اصولاً تمام مخارج دانشگاهی و علمی ربع رشیدی بر اساس موقوفات بوده و این درست مفهوم بیشتر دانشگاههای امروز امریکائی است که با موقوفات اداره میشوند و زندگی میکنند حقیقهٔ جای تأسف است که در کشور ما اینک این مسأله فراموش شده یعنی يك مستمری دائم از طریق موقوفات برای دانشگاههای ما وجود ندارد که بتوانیم دانشگاهها و موسسات آموزشی را بر همان اساس اداره کنیم.

مقررات استخدامی و طرز کار و برنامه‌های آموزشی و علمی همه با آنچنان دقت و توجهی تهیه میشد که برآستی ارزش دارد تا آنجا که ممکن است مطالعات و تجسسات دقیق-تری در این زمینه بعمل آید. در یکی از نامه‌ها که قبلاً نیز بدان اشاره شد خواه می‌نویسد که چگونه در مورد علمای ما و ادراعات مجری داشتیم و جامهٔ سالانه و صابون بها و حلوا بها مقرر کردیم - و هزار طالب علم فحل در محله‌ای که آنرا محلهٔ طلبه خوانند نشانیدیم و مرسوم همه را بر منوالی که بجهت علماء مقرر کرده بودیم بجهت ایشان معین گردانیدیم و شش هزار نفر طالب علم دیگر که از ممالک اسلام به امید تربیت آمده بودند در دارالسلطنه تبریز ساکن گردانیدیم - و فرمودیم که ادراعات و میاومات ایشانرا از حاصل جزیهٔ روم و قسطنطنیه کبری و جزیرهٔ هند اطلاق نمایند تا ایشان از سر رفاهیت خاطر بافاده و استفادۀ مشغول گردند و معین داشتیم که هر چند طالب علم پیش کدام مدرس تحصیل کنند و دیدیم که ذهن هر طالب علمی طالب کدام علم است از اصول و فروع و نقلی و عقلی بخواندن آن علم امر فرمودیم و گفتیم که هر روز از این طلبه که در ربع رشیدی و بلده تبریز ساکن اند همه بمدارس ما و فرزندان ما متردد باشند.

گفتنی‌ها جداً زیاد است ولی چون میدانم که جای خود را باید به اهل فن و تخصص بدهم دیگر نمیخواهم هر چه را که از این رادمرد دانشمند میدانم در این محفل علمی پس بدهم و هنوز چیزی جز از تشکیلات ربع رشیدی نگفتم حال آنکه این مدینهٔ علم تنها چیزی از قدر و منزلت رشیدالدین است. به گفتهٔ استاد مینوی و قدر مقام واقعی او بیشتر بواسطهٔ تألیفات متعدد او بالخصوص کتاب جامع التواریخ اوست که بی تردید یکی از اعظم کتب تاریخی بزبان فارسی است. مرحوم عباس اقبال این اثر را بزرگترین شاهکار تاریخ و آثار ادبی ایران و مهمترین تألیف تاریخی جهان میدانند. [۷۳۷-۷۲۸ ه. ق] بعلاوه مکاتبات او - هم آنها که جنبهٔ رسمی و هم آنها که جنبهٔ خصوصی دارد - اطلاعات دقیقی در باره کارهای عظیم آبیاری - کشت نباتات شیوه‌های بهره‌کشی از روستائیان - قواعد وصول مالیات بامامیدهد. پتروشفسکی عقیده دارد که این اطلاعات مهمترین اطلاعات در باره يك واحد کامل اقتصاد فتووالی است.

باید این نکته را نیز تذکر داد که تهیه این اثر مهم و کتاب الاحیاء و الآثار که دائرة المعارف کامل علوم طبیعی است خود معرف طرز کار علمی این دانشمند است چه این کتاب بزرگ را عیناً بشیوه مؤلفین دائرة المعارف های امروزی طرح ریزی کرده و بدستاری فضلا و خیرگان هر طایفه و ملتی که در سلطانیه و تبریز مقیم بودند از علمای چینی و تبتی و اوپنوری و فرنگی و یهودی و غیره بکار تهیه آن مشغول شده و آنرا در سال ۷۱۰ به انجام رسانده است .

مقاسفانه با آنکه یکی از وظایف تأسیسات علمی ربیع رشیدی این بود که هر ساله دوره کامل از مصنفات او را که همه آنها بهر دوزبان فارسی و عربی نوشته میشد استنساخ و مقابله و تصحیح کرده آنرا یکی از بلاد بزرگ عالم به هدیه بفرستند - پس از قتل خواجه رشیدالدین و بغارت رفتن کتابخانه، بسیاری از کتب بقتلای ما ندین و مخالفین خواجه سوخته شد و بسیاری دیگر از بین رفت .

از لحاظ انسانی با آنکه مخالفان رشیدالدین فضل الله سعی کرده اند که بمناوین گوناگون شخصیت و آثار او را تخطئه کنند و شاید همین اتهامات بود که در زمان او منجر به قتل او گردید چنین بنظر میرسد که هیچ يك از آنها نتوانسته است بر چهره تابناک دانشمند لکه پایداری بر جا بگذارد. ادوارد براون به این نکته اشاره میکند که رشیدالدین در منتهای قدرت خود باز افتخار میکرد به اینکه او را «رشید طبیب» بخوانند و از عناوین دهان پرکن و گزاف آن دوره لفاظی و عبارت پردازی بیزاری میجست .

البته این نظر پتروشفسکی مورخ شوروی نیز بسیار جالب توجه است که میگوید : به رشیدالدین نمیتوان گمان مردم دوستی برد . او هواخواه همان سیاستی است که ما بطور مشروط «جریان دوم» نامیده ایم و او متفکر دورانندیش و خردمند و طرفدار دولتی نبود و فتوای و سیاست مرکبیت است . . . و در نامه ای به فرزندش - شهاب الدین مینویسد : چون احوال رعیت خراب شود ملوک را هیچ کامی بحصول نه پیوند و چون در عاقبت امور نظر کنی اصل مملکت دارای عدلست چنانچه در این دایره مثال آن نموده ام پادشاهی حاصل نشود الا بلسکر و لشکر بمال توان جمع کرد و مال از رعیت حاصل گردد و رعیت را بمعدل نگاه توان داشت .

* * *

رویه مرفته شکی نیست که رشیدالدین فضل الله همدانی از افتخارات علم و فرهنگ ایران و نیز از ستارگان درخشان پزشکی ما بود و جای آن دارد که روشندان و مردم ایران هر چه بیشتر با اندیشه ها و آثار او و نیز دید و بینش علمی و فرهنگی او که نمونه هایی از آن رامثال آوردم آشنائی بیشتر حاصل کنند . بویژه به دانشکده های پزشکی توصیه میکنم که در صورت امکان از راه تشکیل دروس جداگانه و کنفرانسها و مجالسی از این قبیل دانشجویان ما را به تألیفات و کارهای او و بطور کلی با آثار پزشکان بزرگ ایرانی که پایه گذار طب اسلامی بودند آشنا سازند. جداً جای تاسف است که دانشجویان پزشکی ما گاه حتی اسامی این قبیل پزشکان یا آثار آنها را نمیدانند حال آنکه روزی ربیع رشیدی و قبل از آن دانشگاه جندی شاپور

بزرگترین مراجع پزشکی دنیا بودند . اخیراً مقاله‌ای تحت عنوان:

Histoire des Bimaristans (Hopitaux) a L'époque Islamique

PAR DR. AHMED ISSA BEY.

از دکتر احمد عیسی بیک دیدم که در حقیقت از مجموعه سخنرانیهای پزشکی است که در سامبر سال ۱۹۲۵ در قاهره خوانده شده است .

در آن مقاله نویسنده از جندی شاپور بعنوان بزرگترین بیمارستان سه قرن قبل از اسلام یاد کرده است و شرح میدهد که چگونه اطبای جندی شاپور شهرت جهانی بدست آوردند و روشهای دیگران را جمع آوری کرده - بر اساس علمی قراردادند - مثلاً حارث طیب پیغمبر فارغ التحصیل جندی شاپور بود - همینطور طیبی که حضرت علی ع را معالجه میکرد از فارغ التحصیلان آن دانشگاه بشمار میرفت .

بد نیست در این تالار که نامی یکی از بزرگترین پزشکان ایرانی را بر خود دارد یاد آور شوم که نویسنده و پزشک مشهور عرب جاحظ در « کتاب البخله » خود داستان پزشک عرب دیگری را بنام اسد بن جانی یاد آور میشود که حتی در سال شیوع مرض طاعون با آنکه شهرت و مهارت و زیرکی وی بسیار بود تنها معدودی بوی مراجعه میکردند و چون مردی از آشنایان از وی علت این امر را پرسید علل متعددی را ذکر کرد که آخرین آن این بود « نام من اسد است و حال آنکه اگر صلیبا یا مراعیل یا یوحنا یا ببرا میبود بهتر بود . . . » و زبان من عربی است در صورتیکه بهتر میبود که به زبان مردم جندی شاپور سخن می گفتم .

از صمیم قلب امیدوارم که تشکیل مجالس علمی از این قبیل و همچنین توجه بیشتری که در آینده به شناساندن افتخارات علمی مادر دانشگاهها خواهد شد دانشجویان امروز دانشمندان فردای ما را بر آن دارد که در حل مسائل خاص دانش ایرانی حتی المقدور از کارها و اندیشههای اصیل بزرگان این سرزمین الهام بگیرند، و ایمان راسخ دارم که در آنصورت خود با اطمینان خاطر بیشتر برتری بسیاری از راه حل‌های ایرانی را به نسخه‌های فریبنده غرب که اصولاً برای همانجا ساخته شده است خواهند پذیرفت .